

ابن شمارہ ۳



باتا خیر

احمد شاہ ملو
سازقہ مدنیہ
فریدینا سلین
عبدالله مستوفی
عبدالله کوٹری
مسن طہباز
جوان سرریفی
جواد سرریفی
تتو دورو زینکو
ع. طہر فوکیزہ
ابراہیم حقیقی
رضا زاہد
جواد سرریفی
تتو دورو زینکو

سرشناسه: طاهرنوکنده، محسن، ۱۳۲۶ -

عنوان و نام پدیدآور این شماره با تأخیر ۴ / زیر نظر م. طاهرنوکنده

ناشر: آموش ۱۳۹۵

مشخصات ظاهری: ۶

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۴۲-۳۰-۴

یادداشت: چاپ اول: کتاب راز ۱۱۱۳

موضوع: ادبیات - مجموعه ها

رده بندی دیویی: ۸۰۸/۸

رده بندی کنگره: ۱۳۹۵ ط ۲۶ ف / ۱۰۶۵

شماره کتابشناسی ملی: ۴۴۸۰۷۷۱

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.

ناشر: آوا نوشت

این شماره با تأخیر (۳)

زیر نظر: م. طاهر نوکنده

طرح جلد و خط‌نگاری از: ابراهیم حقیقی

حروفچینی و صفحه‌آرایی: کارگاه این شماره با تأخیر

چاپ دیبا

چاپ اول آوا نوشت: ۱۳۹۵

شمارگان: ۵۰۰ تا

تلفن: ۰۹۳۵۹۶۰۳۱۵۹

منازل پستی: تهران ۱۵۵-۱۴۸۷۵

پست الکترونیک: avanevesht@gmail.com

کلیه حقوق این کتاب نزد ناشر محفوظ است.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۰۴۲-۳۰-۴

و آنچه که می‌خوانید

- | | | |
|------------|--------------------------|---------------------------------|
| ۱۱ | دینان سلین / احمد شاملو | ۱. سفر به نهایت شب |
| ۴۵ | م. امرونی‌بنده | ۲. سهم ادبیات تجسمی |
| ۵۹ | عبدالله مستوفی | ۳. در شرح احوال میرزا رضا کلهر |
| ۶۹ | جولیو کارلو ارگانا | ۴. آزادی ملت را... |
| ۷۷ | نوکنده | ۵. نقد تحلیلی به روایت آرگان |
| ۱۰۵ | صادق هدایت / حسن طاهباز | ۶. در حاشیه‌ی «نیرنگستان» |
| ۱۲۵ | جواد شریفی | ۷. شاملو: میل گریزناپذیر... |
| ۱۳۳ | جان کینگ / عبدالله کوثری | ۸. خورخه لوئیس بورخس... |
| ۱۴۵ | رضا زاهد | ۹. شعر: کتاب منظره‌ها |
| ۱۹۵ (۱-۷۷) | بیژن الهی | ۱۰. ضمیمه: یکی نقل دارد، یکی نه |

درباره‌ی ترجمه‌ی سفر به نهایت شب

حدود ۵۱-۵۲، شام؛ تصمیم گرفت سفر به نهایت شب را با همکاری شهر آشوب امیرشاهی به فارسی برگرداند. امیرشاهی سال ۶۰ در پاریس زندگی کرده بود و با «زبانِ کوچه»ی فرانسوی آشنائی داشت. همکاری شاملو با او به چهار پنج جلسه نکشید. آیدا می‌گوید شاملو به این کتاب عشق می‌ورزید. رویکرد سلین به انسان و زبانی که برای بازگویی این دیکرد گزیده بود، با رویکرد معنایی و البته زبانی شاملو همسو بود. کار را شروع کرد، اما بیماری امانش ندانده بود. صاحی به اجبار کار را کنار گذاشت، به این امید که روزی برگردد و ادامه دهد، اما در این فاصله، کسی بگترجیحی از آن چاپ زد و شاملو سرد شد و کار ترجمه‌ی اثری را که آن همه دوست داشت، یکسر رها کرد. به آیدا، شب‌دختری خیلی‌های دیگر، گفته بود که سفر به نهایت شب را بستر مناسبی می‌داند برای اجرا کردن زبانِ کوچه. مهم‌ترین راه بود سلین قواعد ادبیّت را به هم زده بود. زبانِ کوچه و بازار با سلین به ادبیاتِ فرانسه راه گشوده است، آن‌همه چه قدرتِ حیرت‌انگیزی. سفر به نهایت شب جان می‌داد برای اثباتِ این عقیده‌ی سستی‌ناپذیر شاملو که با زبانِ رنده‌ی مردم است که ادبیاتِ فارسی می‌تواند خود را بازیابد و از نو بسازد. و چه بسا که اگر شاملو سر نمی‌زد و این کتاب را به زبانِ خاصِ خودش برمی‌گرداند، دیگر سال‌ها بعد نمی‌رفت سراغ دُن آرام. از همین حیثیت، مردمیابیم که هدف شاملو از ترجمه‌ی دُن آرام، که ترجمه‌ی دیگری نیز از آن به‌دست بود، تزریقِ امکاناتِ زبانِ کوچه به بیکره‌ی ادبیاتِ فارسی بود. باری، مشقِ اولِ شاملو از دو فصلِ نخستِ سفر به نهایت شب، که در پی می‌آید، نشان از هم‌او برای ترجمه و به دست دادنِ روایتی فارسی و همسو با روایتِ فرانسوی دارد. رسمِ خط را به همان است آیدا تغییر ندادیم. روشن است که اگر شاملو بود و ترجمه را هم تمام کرده بود، آن را به رسمِ خطِ تازه‌ای که خود از بانیان آن است حروف‌نگاری می‌کرد، اما ما به خود اجازه ندادیم در متنِ دست‌نویس شاملو دست ببریم. ترجمه‌ی فصلِ اولِ کامل است. چند کلمه‌یی هست که شاملو گذاشته بوده بعدتر برگردانِ مناسب آن را بیاورد. با علامتِ [...] این جاهای خالی را نشان داده‌ایم. ترجمه‌ی فصلِ دو ناقم است. اگر در متن جمله‌یی جا افتاده کروشه باز کرده‌ایم و گفته‌ایم. مقدمه‌ی سلین را هم که شاملو دو پاراگرافش را ترجمه کرده کنار گذاشته‌ایم؛ خط‌خوردگی‌های زیاد

بود به احتمال یقین شاملو آن را نمی پذیرفت. ترجمه‌ی فارسی دو فصل، ۱۵ صفحه‌ی ریزنوشته به قطع A4، تمیز و تقریباً پیراسته است. خط خوردگی و جافتادگی دارد، اما به چاپ رسیدن آن برای پی بردن به بسا چیزها در باره‌ی شاملو و سلیقه‌هاش، به ویژه پی بردن به چرایی ترجمه‌ی دُن آرام، لازم بود. دریغ که شاملو این کتاب را ترجمه نکرد و خوشا به حالش که آیدا را داشت؛ که اگر او را نداشت و نداشتیم، بسا نوشته‌ها و کارهای شاملو که به محاق می افتاد. دست نویس سفر به نهایت شب شاملو در پوشه‌ی محفوط مانده. در این پوشه، جز متن فارسی روایت شاملو، بیست سی برگ دفتر مشق هم هست، حاوی شماری از واژگان «کتاب کوچه»ی فرانسوی که شاملو 'حتماً' وقتی اولین بار خواندن کتاب را شروع کرده بوده برابر نهادهایی فارسی برای هر کدامشان پیش نهاده کرده تا موقع ترجمه از آن‌ها استفاده کند. همه چیز حاکی از آن است که شاملو قضیه را خیلی جدی گرفته بوده چرا که نشد؟ آیدا می گوید بماند. جابه‌جا، در متن اصلی، شاملو با خودکار آبی برابر نهادهای فارسی برای واژه‌های فرانسوی قلم انداخته. نمونه‌هایی از دست خط شاملو و دست‌برده‌هاش در متن اصلی چاپ زده‌ایم.

و چه خوش است که ما به این ترجمه سترسی داریم. به آیدا درود می فرستیم و از او متشکریم.

ج. ش.